

فارین پالیسی در مقاله‌ای به پیش‌بینی اتفاقات سال جاری میلادی پرداخت

بحران‌هایی که در ۲۰۲۵ نمی‌توان نادیده گرفت



حانیه قاسمیان خبرنگار تکرده جهان‌شهر

هر ساله، با آغاز سال جدید میلادی، تور پیش‌بینی‌ها و تحلیل‌های آینده‌پژوهانه درباره سال میلادی پیش رو داغ می‌شود. رسانه‌های مهم دنیا، هرکدام یک یا چند گزارش و یادداشت درخصوص بحران‌ها، مسائل و نقاط تنش جهان در سال جاری میلادی منتشر می‌کنند. «فارین پالیسی» نیز به عنوان یک رسانه مهم از این امر مستثنی نیست. این رسانه با گزارش «۱۰ بحران پیش رو در سال ۲۰۲۵» توجه‌ها را به خود جلب کرد؛ گزارشی که در آن نقاط حساس مهم سیاست در جهان را پررنگ می‌کرد. چند روز پس از انتشار این گزارش، همین رسانه گزارشی مهم را سر مقاله خود قرار داد که در فضای فارسی زبان به آن کمتر پرداخته شد. گزارش «8Simmering threats you should not ignore in 2025» یا «۸ تهدید منتظر که نمی‌توانید در سال ۲۰۲۵ نادیده بگیرید» شامل ۸ بحران کمتر پرداخته‌شده در جهان بود که این نشریه مطابق با سیاست‌های خود به آن می‌پرداخت. این گزارش به این دلیل واجد اهمیت است که روی نقاطی بحرانی در جهان نور می‌اندازد که عمدتاً در تحلیل‌ها و خبرها غایب است. در میان این ۸ تهدیدی که فارین پالیسی به آن پرداخته، ۳ مورد آن در فضای فارسی‌زبان بیشتر از باقی‌تازگی دارد که در این گزارش به طور مفصل به آن پرداخته‌ایم.

۱ ترامپ و درگیری با کارتل‌ها

کمتر از چند روز به بازگشت دونالد ترامپ به قدرت در ژانویه ۲۰۲۵ باقی مانده و اکنون توجه‌ها به مواضع او در قبال مکزیک و کارتل‌های مواد مخدر جلب شده است. ترامپ در دوره ریاست‌جمهوری خود پیشنهاد کرده بود ایالات متحده کارتل‌های مکزیک را به‌عنوان سازمان‌های تروریستی شناسایی کند. این پیشنهاد که پس از حملات مرگبار به شهروندان دو تابعیتی ایالات متحده و مکزیک در ۲۰۱۹ مطرح شد، همچنان در دستور کار سیاسی قرار دارد. به‌ویژه در صورت بازگشت ترامپ به قدرت، احتمال اتخاذ تدابیر تهاجمی‌تر علیه این کارتل‌ها وجود دارد. در حالی که کارتل‌های مواد مخدر در مکزیک یکی از بزرگ‌ترین تهدیدها برای دولت مکزیک و ایالات متحده به‌شمار می‌روند، برجسب‌گذاری آن‌ها به‌عنوان تروریست‌ها منجر به پیچیدگی بیشتر وضعیت خواهد شد. این کارتل‌ها از خشونت برای حفظ سلطه خود بر بازار مواد مخدر استفاده می‌کنند، به برای تغییر سیاست‌های دولت مکزیک، به همین دلیل، این گروه‌ها به‌عنوان تروریست شناخته نمی‌شوند. استفاده از لفظ تروریست، از سوی ترامپ برای این کارتل‌ها حرکت خطرناکی است که می‌تواند ایالات متحده را با همسایه جنوبی‌اش درگیر کند. در اینجا باید ذکر کرد که لفظ «تروریست» در ادبیات بین‌المللی به گروهی مسلح اطلاق می‌شود که از تروهای کور خود برای ضربه زدن به یک نظام سیاسی استفاده می‌کنند یا به عبارتی انگیزه‌های سیاسی دارند، درحالی‌که کارتل‌های مواد مخدر در تمام جهان ازجمله مکزیک انگیزه‌های سیاسی ندارند.

در دوران ریاست‌جمهوری فلیپ کالدرون (۲۰۱۲–۲۰۰۶) رئیس‌جمهور مکزیک، این کشور شاهد افزایش بی‌سابقه‌ای در خشونت‌های مربوط به مواد مخدر بود. عملیات‌های ضدکارتلی در دستگیری یا کشته شدن اعضای کارتل‌ها نتیجه‌داشت، اما در عین حال خشونت در این کشور به‌شدت افزایش یافت. کارتل‌ها به‌طور فزاینده‌ای با یکدیگر وارد جنگ‌های خونین شدند که به افزایش کشته‌شدگان غیرنظامی انجامید.

پیشنهاد ترامپ برای شناسایی کارتل‌ها به‌عنوان سازمان‌های تروریستی احتمالاً وضعیت را بیشتر پیچیده می‌کند تا آنکه به‌عنوان راه‌حلی برای این مشکل عمل کند. چنین اقدامی ممکن است منجر به مداخله نظامی بیشتر شود که در گذشته اثربخشی نداشته است. این برجسب‌گذاری به‌عنوان FTO، به‌ویژه برای ایالات متحده، ابزارهای قانونی جدیدی را فراهم می‌کند، اما از آنجا که تاکتیک‌های نظامی در این زمینه نتایج مثبتی نداشته‌اند، این اقدام تعدیه است. مؤثر واقع نشود. این اقدامات نشان داده پاسخ‌های نظامی و مداخله‌گرایانه به جنگ علیه مواد مخدر نه تنها موجب حل مشکل نمی‌شود، بلکه باعث تشدید آن می‌شود. در طول سال‌های اخیر، مکزیک با کارتل‌هایی روبه‌رو بوده که نه تنها منابع بسیاری دارند، بلکه از تاکتیک‌های بی‌رحمانه‌ای نیز استفاده می‌کنند. درحالی‌که ایالات متحده از ابزارهای نظامی و اطلاعاتی برای مقابله با قاچاق مواد مخدر استفاده کرده است، این رویکرد در واقع سبب تشدید خشونت‌ها شده و کارتل‌ها را در نقاط مختلف مکزیک به قدرتی فراگیر تبدیل کرده است. مکزیک برای مقابله با این بحران نیاز به یک استراتژی جامع دارد که فقط بر پاسخ‌های نظامی متمرکز نکند. این استراتژی باید به تقویت نظام قضایی، بهبود سیستم‌های پلیسی و کاهش علل زیربنایی جرمایی مانند فقر، فساد و ضعف حکمرانی بپردازد. تمرکز صرف بر اقداماتی که منجر به افزایش خشونت می‌شود، مانند مداخله نظامی، مشکلات موجود را حل نمی‌کند و فقط بر شدت بحران می‌افزاید.

برجسب‌گذاری کارتل‌های مکزیک به‌عنوان تروریست‌ها به‌طور خطرناکی ایمن گروه‌ها را در موقعیتی قرار می‌دهد که به‌عنوان تهدیدی برای امنیت جهانی در نظر گرفته شوند، درحالی‌که در واقع هدف آن‌ها چیزی جز منافع مالی نیست. اقدامات امنیتی باید به‌طور ویژه بر کارهای داخلی مکزیک، از جمله تقویت نهادهای قضایی و پلیسی متمرکز باشد تا روند قاچاق مواد مخدر و فعالیت‌های جنایتکارانه کاهش یابد. مداخله نظامی ایالات متحده در مکزیک همچنین خطر افزایش بی‌ثباتی و تشدید خشونت‌ها را به‌همراه دارد. به جای تمرکز بر جنگی که بیشتر به ضرر مردم مکزیک خواهد بود، راه‌حل‌هایی باید مورد توجه قرار گیرند که به‌طور مستقیم با علل اجتماعی و اقتصادی فساد و قاچاق مواد مخدر در ارتباط باشند.

اجرای به رسمیت شناختن کارتل‌های مواد مخدر مکزیک به‌عنوان گروهک‌های تروریستی وقتی خطرناکی می‌شود که این اقدام از سوی رئیس‌جمهور آمریکا، به حمله نظامی بسه مکزیک و یا درگیری‌ها مرز مشروعیت می‌بخشد و می‌تواند آتش یک جنگ خطرناک را برای آمریکای، این بار نه کیلومترها دورتر از خانه، بلکه در مرز خود شعله‌ور کند. موضوعی که ایالات متحده از بعد از جنگ جهانی دوم تجربه نکرده است.

۲ التهاب در شرق مدیترانه

درحالی‌که در صدر اخبار جهان، روابط ترکیه با تحریرالشام در مرزهای جنوبی‌اش پررنگ است، مقاله‌فارین پالیسی توجه مخاطب به تنش در غرب ترکیه و در بخش اروپایی آن و امکان درگیری این کشور با همسایگان غربی‌اش را پررنگ می‌کند. مغربی که در رسانه‌ها به آن کمتر پرداخته شده و می‌تواند آتش یک جنگ خاورمیانه‌ای ترکیه تأثیر گذارد. منطقه شرق مدیترانه دارای ذخایر غنی از گاز طبیعی است، منطقه‌ای که در سال‌های اخیر به کانون تنش‌های بین‌المللی تبدیل شده است. رقابت برای این



منابع ارزشمند منجر به مجموعه‌ای از اختلافات ژئوپلیتیکی پیچیده شده و کشورهای مختلفی مانند ترکیه، یونان، قبرس و دیگران درگیر رویارویی‌هایی بر سر آب‌های سرزمینی و حقوق اکتشاف انرژی‌اند. این رقابت‌ها با منافع اقتصادی و استراتژیک متعددی همراه است که در یک منطقه حیاتی برای امنیت انرژی منطقه‌ای و جهانی تلاقی پیدا کرده‌اند. اختلافات ژئوپلیتیکی که امکان دارد امسال با بحران‌های انرژی در اروپا پیوند بخورد و به یک کانون بحران در منطقه شرق مدیترانه تبدیل شود.

یکی از دلایل اصلی افزایش تنش‌ها در شرق مدیترانه، کشف میداین وسیع گاز طبیعی است. در سال ۲۰۱۱، اسرائیل با کشف میدان گاز تماز به موفقیت بزرگی دست یافت و پس از آن، میدان گاز لویاتان که بزرگ‌تر بود، در سال ۲۰۱۹ کشف شد. قبرس و مصر نیز ذخایر قابل توجهی در مناطق اقتصادی انحصاری خود (EEZ) یافتند. این کشف‌ها موجب جلب توجه‌فوری به این منطقه شد. این مسئله با خود منازعاتی را بر سر مرزهای دریایی به‌همراه داشت که در برخی مناطق شرق مدیترانه هنوز به‌طور کامل مشخص نشده است. ترکیه که همواره با یونان و قبرس بر سر آب‌های سرزمینی اختلاف داشته، در ایسن عرصه موضعی به‌ویژه تهاجمی در پیش گرفته است. ترکیه ادعا می‌کند بخش وسیعی از شرق مدیترانه، از جمله قسمت‌هایی از آب‌های اطراف قبرس، جزء سکوی قاره‌ای آن است و بنابراین جزء منطقه اقتصادی انحصاری آن در نظر گرفته می‌شود. از سال ۲۰۱۹، ترکیه تعداد زیادی کشتی اکتشافی را به منطقه اعزام کرده و عملیات‌های بررسی زلزله و حفاری را در آب‌های مورد منازعه انجام داده است. طبق داده‌های وزارت انرژی ترکیه، بین سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۳ از ۱۰۰ مأموریت از این نوع انجام شده است، علی‌رغم مخالفت یونان، قبرس و اتحادیه اروپا.

حضور کشتی‌های ترکیه در این آب‌های مورد منازعه منجر به رویارویی‌های مکرر شده است. در چندین نوبت، نیروهای دریایی یونان و ترکیه به‌طور خطرناکی به برخورد نزدیک شده‌اند. در یکی از لحظات بسیار پر تنش در سال ۲۰۲۰، یونان و ترکیه به مرز برخورد رسیدند، پس از آنکه کشتی تحقیقاتی اوروک ریس ترکیه، بررسی‌های زلزله‌ای را در نزدیکی جزیره یونانی کستلو ریزو انجام داد. نخست‌وزیر یونان، کیریاکوس می‌سوتاکیس، اقدامات ترکیه را «تقص حقوق بین‌الملل» دانست و بر عزم یونان برای حفاظت از حاکمیت خود تأکید کرد. ترکیه در مقابل، این اقدام‌ها را رد و مدعی شد تنها در حال دفاع از حقوق قانونی خود است.

وضعیت در سال ۲۰۲۰ بیشتر پیچیده شد زمانی که ترکیه یک توافق دریایی جنجالی با دولت وحدت ملی (GNU) لیبی امضا کرد که عملاً یک مرز دریایی میان ترکیه و لیبی ترسیم کرد و منافع یونان و قبرس را نادیده گرفت. این توافق با مخالفت شدید آتن روبه‌رو شد که ادعا کرد این قرارداد حاکمیت یونان و حقوق بین‌المللی را نقض کرده است. با این حال، ترکیه به‌رویکرد تهاجمی خود در منطقه ادامه داده و هیچ نشانه‌ای از عقب‌نشینی از خود نشان نمی‌دهد. اتحادیه اروپا که به شدت نگران وضعیت است، در تلاش برای میانجیگری و اعمال تحریم‌هایی بر ترکیه به‌منظور کاهش تنش‌ها بوده است. در سال ۲۰۲۰، اتحادیه اروپا به مجموعه‌ای از تدابیر را در واکش به فعالیت‌های اکتشافی ترکیه اعلام کرد که شامل تعلیق مذاکرات در مورد توافق شراکت جامع اتحادیه اروپا-ترکیه بود. علاوه بر این، اتحادیه اروپا محدودیت‌های سفر و مسدود کردن دارایی‌ها برای افرادی که در عملیات‌های حفاری نقش داشتند را وضع کرد. علی‌رغم این تحریم‌ها، ترکیه به‌طور عمده تلاش‌های اتحادیه اروپا برای مداخله را نادیده گرفته و به عملیات‌های اکتشافی خود ادامه داده است. موضع ترکیه با ادعاهای آن مبنی بر ناعادلانه بودن و عدم تعادل در مواضع یونان و قبرس در مورد مرزهای دریایی تقویت می‌شود و این کشور به معاهدات تاریخی مانند معاهده لوزان ۱۹۲۳ و توافقات بین‌المللی اخیر استناد می‌کند.

واکنش اتحادیه اروپا با پیچیدگی‌هایی مواجه است؛ چراکه این اتحادیه در مسائل مختلفی از جمله مهاجرت و انرژی، وابسته به ترکیه است. ترکیه به عنوان یک کشور کلیدی در ترانزیت مهاجران به اروپا، در ازای این نقش خود به‌دنبال کسب امتیازهای سیاسی است. علاوه بر این، نیازهای انرژی ترکیه و اهمیت فروزون آن به‌عنوان کشوری ترانزیتی برای صادرات گاز از شرق مدیترانه، توانایی اتحادیه اروپا برای مقابله مؤثر با ترکیه را پیچیده کرده است. در میان این تنش‌ها، ائتلاف‌های منطقه‌ای برای مقابله با اقدامات تهاجمی ترکیه شکل گرفته است. یکی از مهم‌ترین این ائتلاف‌ها، «فروم گاز شرق مدیترانه» (EMGF) است که در سال ۲۰۱۹ تأسیس شد. این انجمن یک مشارکت منطقه‌ای است که شامل مصر، اسرائیل، یونان، قبرس و دیگر کشورهای است که در اکتشاف گاز شرق مدیترانه منافع دارند. EMGF هدفش این است جبهه‌ای متحد برای توسعه مشترک و صادرات گاز طبیعی تشکیل دهد و از مرزهای دریایی در منطقه حفاظت کند. با این حال، ترکیه عضو این انجمن نیست و به‌طور صریح اعلام کرده است که این انجمن را مشروع نمی‌شمارد. آنکارا همچنان تأکید دارد که باید در هر گونه مذاکرات آتی برای اکتشاف و توسعه منابع طبیعی منطقه مشارکت کند. مداخله دیگر قدرت‌های جهانی وضعیت را پیچیده‌تر کرده است. ایالات

متحده، که یکی از متحدان کلیدی ناتو یونان است، از آن در اختلافاتش با ترکیه حمایت کرده است، اما در عین حال به‌دنبال حفظ رابطه کاری با ترکیه به دلیل اهمیت استراتژیک آن در منطقه، به‌ویژه به‌عنوان یک عضو دیگر ناتو است. روسیه نیز روابط خود را با یونان و قبرس تقویت کرده و منتقد اقدامات ترکیه بوده است، حمایت سیاسی از این کشور‌ها کرده و حتی پیشنهاد داده است که فعالیت‌های دریایی ترکیه در شرق مدیترانه ممکن است تهدیدی برای ثبات منطقه‌ای باشد.

افزایش ملی‌گرایی در یونان و تفکرات توسعه‌طلبانه سلطانیسم در ترکیه نیز به بی‌ثباتی وضعیت افزوده است. رجزخوانی‌های ملی‌گرایانه از سوی هر دو دولت در سال‌های اخیر شدت گرفته است و رهبران هر دو کشور به شکایات تاریخی اشاره کرده و ادعاهای سرزمینی خود را تأکید کرده‌اند. در یونان، گفتمان سیاسی پیرومیزان اقدامات ترکیه موجب تقویت احساس اتحاد ملی شده، در حالی که در ترکیه، سیاست خارجی تهاجمی دولت به‌عنوان دفاع از منافع ملی این کشور قالب‌بندی شده است. این گفتمان‌ها گاهی منجر به تظاهرات عمومی و افزایش لفاظی‌های نظامی شده است و هر دو کشور نیروهای دریایی و هوایی خود را در منطقه تقویت کرده‌اند.

پتانسیل برای درگیری نظامی واقعی وجود دارد و خطر تشدید تصادفی در سال جاری بالا در نظر گرفته می‌شود. هر دو کشور توانایی‌های نظامی قابل توجهی در منطقه دارند و حوادث دریایی می‌تواند به برخوردهای بزرگ‌تر منجر شود. علاوه بر این، با توجه به بحران انرژی که اتحادیه اروپا با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند، این اختلافات بر سر گاز طبیعی می‌تواند تنش‌ها را تشدید کند، به‌ویژه هنگامی که هم ترکیه و هم اتحادیه اروپا با چالش‌های امنیت انرژی مواجهند. گرچه هنوز برای تعیین حد خطرناک بودن بحران در منطقه شرق مدیترانه زود به نظر می‌رسد، اما این امکان وجود دارد که تنش‌ها در این منطقه در ماه‌های آتی، گسترده شود. نکته مهم بحران در مدیترانه این است که چنانچه شکاف‌های ترکیه با هم‌پیمانان ناتوی‌اش بیشتر شود، پاشنه آشیل ترکیه برای ایالات متحده، مدیترانه شرقی است. جایی که کشور‌های اروپایی عضو ناتو در آن حضور دارند و امکان تسلیح بیشترشان نیز بسته به نظر نمی‌رسد. همچنین اتحاد ایالات متحده با روسیه برای مهار ترکیه در مدیترانه شرقی گرچه با وجود اختلافات جاری بعید به نظر می‌رسد اما غیر قابل تصور نیست، و به‌ویژه اگر ترامپ بخواهد جدید‌تر در مسیر پایان دادن به جنگ اوکراین حرکت کند.

۳ مولداوی؛ یک اوکراین کوچک؟

مولداوی، کشور کوچک محصور در خشکی که میان اوکراین و رومانی قرار دارد، در میان تشدید درگیری‌ها در اوکراین و تأثیر فرهنگی و ژئومنیک روسیه در شرق اروپا، با تحریکات ناتو روز به روز آسیب‌پذیرتر می‌شود. مولداوی در منطقه‌ای به شدت روسی، به‌عنوان کشوری کوچک مرتب در تلاش است که ارتباطات بیشتری با اتحادیه اروپا برقرار کند. مولداوی پس از اوکراین در تلاش بوده ارتباط خود را با اتحادیه اروپا گسترده‌تر کند و همین امر موجب سرمایه‌گذاری‌های نظامی و لجستیکی ناتو در این کشور شده است. این وضعیت پیچیده توسط دینامیک‌های داخلی مولداوی، از جمله مسئله همچنان حل‌نشده ترانس‌نیستریا، منطقه جدایی‌طلب پرو-روسی و یک جامعه سیاسی دوقطبی، پیچیده‌تر شده است.

موقعیت جغرافیایی مولداوی آن را در مرکز رقابت شرق و غرب اروپا قرار داده است. از سمت غرب، مولداوی با رومانی مرز مشترک دارد که عضو اتحادیه اروپا و ناتو است. از سمت شرق، مولداوی با اوکراین مرز دارد. کشوری که هم‌اکنون منطقه درگیری ناتو در روسیه است. جنگ در اوکراین، مولداوی را به‌ویژه از نظر امنیتی و ثبات داخلی در معرض خطرات شدید قرار داده است. موقعیت نزدیکی به اوکراین، مولداوی را در کانون استراتژی‌های ژئوپلیتیکی روسیه قرار داده است. رئیس‌جمهور فعلی مولداوی آرزوی پیوستن به اتحادیه اروپا را در سرر می‌پروراند و این برای روسیه و بخشی از جامعه مولداوی که به روسیه تمایل بیشتری دارند، پذیرفته نیست. در سال ۲۰۱۴، مولداوی توافق‌نامه همکاری‌ای را با اتحادیه اروپا امضا کرد که شامل همکاری‌های سیاسی و اقتصادی و در نهایت پتانسیل پیوستن به اتحادیه اروپا بود. با این حال، این حرکت خشم روسیه را برانگیخت و مسکو به‌وضوح اعلام کرده است که نخواهد گذاشت مولداوی بدون عواقب از حوزه نفوذ خود خارج شود. استراتژی امنیت ملی روسیه که روی ایجاد منطقه حائل در مرزهای غربی خود بنا شده است تمایلات پرو-اروپایی دولت مولداوی را همانند اوکراین برای خود خطری امنیتی در نظر می‌گیرد و نگران تسلیحاتی شدن و ناتویی شدن مولداوی است.

سیاست‌های پرو-اروپایی رئیس‌جمهور Maia Sandu مولداوی باعث شده تا او هدف حملات اطلاعاتی روسیه قرار گیرد که اغلب دولت او را به عنوان عروسک دست غرب معرفی می‌کنند و مشروعیت او را در داخل کشور تضعیف می‌کنند.

یکی از عوامل مهمی که وضعیت امنیتی مولداوی را پیچیده می‌کند، وجود مسئله ترانس‌نیستریا است، منطقه‌ای باریک در امتداد رودخانه دنیستر که از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به‌عنوان یک دولت مستقل دی‌فاکتو عمل کرده است. اگر چه این منطقه در سطح بین‌المللی به‌عنوان بخشی از



مولداوی شناخته می‌شود، ترانس‌نیستریا میزبان حضور نظامی قابل توجه روسیه است و دولت غیررسمی آن اعلام کرده که به مسکو وابسته است. این منطقه مدت‌هاست که یک مشکل برای مولداوی به حساب می‌آید. اهمیت ژئوپلیتیکی ترانس‌نیستریا قابل اغماض نیست. حضور نظامی روسیه در این منطقه همچنان به‌عنوان یک یادآوری از نفوذ مسکو بر مولداوی عمل می‌کند و احتمال استفاده از ترانس‌نیستریا به‌عنوان پایگاه عملیاتی برای عملیات‌های نظامی، نگهبانی‌های زیادی را برای دولت غرب‌گرای مولداوی به‌وجود آورده است. در شرایط جنگ اوکراین، این وضعیت حتی می‌تواند پرخطرتر شود. مسکو ممکن است از ترانس‌نیستریا به‌عنوان نقطه شروع عملیات نظامی علیه اوکراین استفاده کند که به پیچیدگی وضعیت امنیتی مولداوی می‌افزاید.

علاوه بر این، عدم توانایی مولداوی در اعمال کنترل کامل بر ترانس‌نیستریا باعث بروز تنش‌های داخلی قابل توجهی شده است. بسیاری از گروه‌ها در دولت مولداوی از روابط نزدیک‌تر با روسیه حمایت می‌کنند، در حالی که دیگران بر همکاری با غرب تأکید دارند. این تقسیمات سیاسی در مولداوی باعث شده است که درگیری‌های سیاسی در این کشور بیشتر شود.

از مهم‌ترین بحران‌های مولداوی می‌توان به وابستگی ۹۰ درصدی این کشور به منابع انرژی روسیه اشاره کرد. مولداوی به شدت به گاز طبیعی روسیه برای تأمین نیازهای انرژی خود وابسته است و تقریباً صددرصد از واردات گاز خود را از گازپروم، شرکت دولتی انرژی روسیه، تأمین می‌کند. این وابستگی مولداوی را در برابر دستکاری‌های سیاسی غرب و ناتو آسیب‌پذیر کرده است، به‌ویژه در زمان‌های بحران. در سال‌های اخیر و به‌ویژه پس از شروع جنگ اوکراین، روسیه از منابع انرژی به‌عنوان اهرم فشار برای مهار نفوذ غرب در مولداوی استفاده کرده، قیمت‌ها را افزایش داده یا حتی در هنگام بروز اختلافات، تأمین انرژی را قطع کرده است. این وابستگی مولداوی به منابع انرژی روسیه چالش‌های قابل توجهی برای کشور به‌ویژه در شرایط جنگ اوکراین به‌وجود آورده است.

اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۲ به مولداوی کمک مالی برای تنوع منابع انرژی و کاهش وابستگی به انرژی روسیه ارائه کرد. با این حال، این کمک‌ها کافی نبود و مولداوی همچنان در برابر فشارهای روسیه در زمینه انرژی آسیب‌پذیر است. در صورت تشدید جنگ اوکراین، ممکن است قطعی بیشتری در تأمین انرژی به‌وجود آید که باعث بی‌ثباتی بیشتر در اقتصاد شکننده مولداوی شود و ناآرامی‌های داخلی را تشدید کند.

تقسیمات داخلی سیاسی مولداوی عاملی کلیدی در آسیب‌پذیری آن در برابر نفوذ خارجی، به‌ویژه از سوی اتحادیه اروپا است. در حالی که رئیس‌جمهور Maia Sandu سیاست‌های پرو-اروپایی را پیش گرفته است، او با مخالفت‌های شدیدی از سوی جناح‌هایی که طبق سنت به روسیه گرایش داشتند؛ در کشور مواجه است. این تقسیمات نه تنها سیاسی بلکه اجتماعی است، زیرا بسیاری از مردم مولداوی، به‌ویژه در منطقه ترانس‌نیستریا، هنوز روابط فرهنگی و تاریخی قوی با روسیه دارند. طبق یک نظرسنجی در سال ۲۰۲۳ توسط مؤسسه بین‌المللی جمهوری‌خواه، حدود ۳۸ درصد از مردم مولداوی از روسیه حمایت می‌کنند، در حالی که ۲۹ درصد از روابط نزدیک‌تر با اتحادیه اروپا حمایت دارند.

این تقسیمات در درون جامعه مولداوی توسط کمپین‌های اطلاعاتی غرب تشدید شده است که در تلاشند تا با دامن زدن به ترس‌ها از نفوذ روسیه، افکار عمومی را دست‌سکاری کنند. رسانه‌های دولتی روسیه مانند RT و اسپوتنیک در مولداوی به‌طور گسترده مصرف می‌شوند و مصرف رسانه‌های غربی توسط بخشی از جامعه مولداوی، بر این دوقطبی اجتماعی دامن زده است. جنگ جاری در اوکراین و پیمایش سلاح‌های ناتو به منطقه بلکان تهدیدی آشکار برای ثبات مولداوی است. در صورت تشدید درگیری‌ها در سال جاری میلادی، مولداوی ممکن است خود را درگیر جنگ کند، چه از طریق حمله مستقیم روسیه و چه از طریق تشدید درگیری‌های نیابتی در ترانس‌نیستریا. حضور نیروهای نظامی روسیه در ترانس‌نیستریا و موقعیت استراتژیک مولداوی، این کشور را به یک نقطه بحرانی در درگیری‌های منطقه‌ای تبدیل کرده است.

در صورت تشدید بیشتر، مولداوی احتمالاً با فشار عظیمی از سوی هر دو طرف، یعنی روسیه و غرب، روبه‌رو خواهد شد که هرکدام خواستار پیوستن کشور به اردوگاه خود خواهند بود. آینده این کشور به توانایی آن در عبور از این میدان مین‌های ژئوپلیتیکی و در عین حال تقویت اتحاد داخلی و تاب‌آوری آن بستگی دارد. آرزوهای مولداوی برای پیوستن به اتحادیه اروپا ممکن است بستگی به توانایی آن در غلبه بر تقسیمات داخلی که همچنان

آن را آزار می‌دهند، داشته باشد.

مولداوی طبق تحلیل کارشناسان روابط بین‌الملل و به نقل از فارین پالیسی در سال جاری میلادی بر لبه پرتگاه قرار دارد. در حالی که وضعیت آینده جنگ اوکراین همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد، تحریکات ناتویی و تمایلات پرو-اروپایی رئیس‌جمهور این کشور می‌تواند آتش جنگ یا تجزیه را در کشورش برافروزد، احتمال تجزیه محور ترانس‌نیستریا را انضمام آن به روسیه همچنان منفی نیست و این امکان وجود دارد که مولداوی با همسایه بزرگش وارد نبردی نیابتی چون اوکراین شود.

فرهنگ‌یگان

جهان‌شهر

پنجشنبه ۲۷ دی ۱۴۰۳

شماره ۴۳۳۱

FARHIKHTEGANDAILY.COM

FARHIKHTEGANONLINE

۱۵